

ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم

سید عبدالوهاب طالقانی

مترجمان عزیز قرآن کریم به رغم تلاشهای ارزنده و خالص خود و تحقیقات مستمر و اطلاع کافی بر مسائل ادبی و بلاغی قرآن و با عنایات خاصی که به ترجمه صحیح آیات نورانی حبل الله المتین دارند و همه جهات را در ترجمه رعایت می‌کنند، در بیان مقصود برخی از آیات سخت در تنگنا قرار می‌گیرند، چرا که خود را در چهارچوب ترجمه لغات و عبارات محدود کرده‌اند. به نظر می‌رسد آنان برای یافتن معادل فارسی واژه‌ها و عبارات قرآنی بیشتر تلاش می‌کنند تا تبیین مفهوم و مقصود آیات، با آنکه هدف از ترجمه، بیان مقصود آیات است برای خواننده، تا با درک صحیح کلام حق، به وظایف خود عمل نماید و رستگار گردد، زیرا هدف از نزول آیات نورانی، فلاح و رستگاری فرد و جامعه است نه بهره‌بردن از نثر معاصر و حیران ماندن در درک مقصود.

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (ابراهیم، ۱)

و در سایه فهم و درک آیات قرآن و عمل بدان می‌توان به حیات طیبه دست یافت.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال، ۲۴)

مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً (نحل، ۹۷)

مترجمان ارجمند برابر سنت جاری قدیمی که باید ترجمه آیه، مقابل آیه نوشته شود و تمامی قرآن و ترجمه آن در یک مجلد قرار گیرد، به تبیین مقصود آیه نمی‌پردازند و از بیان

□ ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم ۵

ارتباط صدر آیه با ذیل آن و یا ارتباط آیه با آیه قبل و یا بیان شأن نزول آیه و یا بیان مقصود آیات کنایه‌ای و امثال آن، صرف نظر می‌کنند و با پیروی از یک سنت رایج در امر ترجمه، خدمت عظیم خود را ناقص عرضه می‌دارند و خواننده را نه تنها اقناع نمی‌کنند و از مراجعه به این و آن در درک مقصود بی‌نیازش نمی‌دارند بلکه او را در بعضی موارد با ابهامات زیاد مواجه می‌کنند.

اگر بپذیریم که این نوع ترجمه ساده و بدون تفسیر، ناقص و نارساست و بر آن شویم که نوع ترجمه را از این پس تغییر دهیم، مطمئناً مترجمان بزرگوار ما با توجه به قدرت علمی‌شان، ترجمه‌ای کامل تقدیم می‌دارند.

بدیهی است بررسی و مطالعه دقیق نقدهایی که تاکنون در مجلات مختلف از ترجمه‌ها منتشر شده است، راه انتخاب ترجمه صحیح را بر آیندگان هموار می‌سازد و دقت در نقدها، کمک مؤثری است در اجتناب از تکرار خطاها و اشتباهات گذشتگان.

مسئله مترجمان بزرگوار این نکته را به خاطر دارند که ترجمه کلام حق، با ترجمه کتابهای علمی، بسیار متفاوت است. اگر فلان مترجم تاکنون کتابهای علمی مشکلی را خوب ترجمه کرده است نباید انتظار داشت که قرآن را نیز می‌تواند خوب ترجمه کند. در ترجمه کتابهای علمی، سخن از ترجمه کلام آدمی است به زبان دیگر، و چون لغات و جمل، خوب ترجمه شود، این نوع ترجمه را کافی می‌دانیم و آن را به عنوان یک ترجمه خوب می‌پذیریم، اما در ترجمه قرآن کریم، علاوه بر ترجمه صحیح لغات، درک مفهوم کلام حق تعالی و بیان آن به زبان قاصر آدمیان، شرط اصلی ترجمه قرآن است.

بدیهی است تبیین مفهوم واقعی آیات از طریق ترجمه ساده، امکان‌پذیر نیست، جز آنکه ترجمه ساده را رها کنیم و با ترجمه تفسیری و شرح و تبیین بیشتری، ارتباط آیات و مفاهیم عالی را کاملاً توضیح دهیم و آن را قابل استفاده برای همه مخاطبان سازیم.

ما بسیاری از آیات را که با توجه کافی قرائت می‌کنیم، به راحتی می‌فهمیم که خداوند متعال از ما چه می‌خواهد، اما چون ترجمه آن را می‌خوانیم، از معنی واقعی آیه دور می‌شویم و با اشکالاتی در ذهن خود مواجه می‌گردیم. در این حال ترجیح می‌دهیم به قرائت آیات اکتفا و از خواندن ترجمه صرف نظر کنیم. برای مثال، با خواندن آیات:

رَبِّ أَشْرَحْ لِي صَدْرِي (طه، ۲۵)

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ (انعام، ۱۲۵)

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ (زمر، ۲۲)

شرح صدر را درک می‌کنیم، اما با خواندن ترجمه فارسی آن «خداوندا، سینه‌ام را گشاده گردان» در درک مقصود حیران می‌شویم. این ترجمه را کافی نمی‌دانیم و معتقدیم این گونه ترجمه‌ها، خواننده را به هدف نمی‌رسانند.
ما با خواندن آیه:

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

(اسراء، ۸۰)

به قدر فهم خود از خواندن فرازهای این آیه شادابی خاصی عایدمان می‌گردد و از روانی عبارت و شیوایی کلام لذت می‌بریم. حال آیه را با ترجمه یکی از مترجمان اخیر مقایسه کنید: «بگو پروردگارا مرا با درآوردنی درست (به هر کار) درآور و با بیرون بردنی درست (از هر کار) بیرون بر و از نزد خویش برای من برهانی یاریگر، بگمار».

ذیلاً با بیان نمونه‌هایی چند، دلایل ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن عزیز را مستنداً تقدیم می‌داریم:^۱

۱. لَيْسَ عَلَيْكَ هُدْيُهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ (بقره، ۲۷۲)

لطفاً به آیه قبل و قسمت بعدی همین آیه توجه کنید تا جایگاه این قسمت از آیه در ترجمه روشن شود:

إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ وَإِنْ تَحْفُوهَا وَتُوتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ يَكْفُرُ عَنْكُمْ مَنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (بقره، ۲۷۱)

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدْيُهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ مَا تَنْفَقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا نَفْسُكُمْ وَ مَا تَنْفَقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءً وَجْهِ اللَّهِ وَ مَا تَنْفَقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفِّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَطْلُمُونَ (بقره، ۲۷۲)

آیات ۲۷۳ و ۲۷۴ نیز در مورد انفاق آمده است. ترجمه‌های موجود، جمله «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدْيُهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» را کاملاً صحیح معنی کرده‌اند ولی ترجمه آنها کافی

۱. مؤلف از مترجمان ارجمندی که هم اکنون ترجمه آنان مورد استفاده همگان قرار دارد و نیز عزیزانی که قصد دارند در آینده به ترجمه قرآن کریم همت گمارند، تقاضا دارد این نمونه‌ها را با دقت مطالعه کنند و چنانچه نقدی دارند، نظر خود را جهت استفاده علاقه‌مندان، به دفتر مجله ترجمان وحی ارسال فرمایند.

□ ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم ۷

نیست، زیرا خواننده از خود می پرسد چه شده است که در لایه لای بیان ابعاد مختلف انفاق در آیات متعدد، به موظف نبودن پیامبر بر هدایت مردم، اشاره شده است؟ پس اگر ترجمه صحیح و کامل می بود و خواننده مقصود را بدون ابهام درک می کرد، سؤالی به ذهن او نمی آمد. بنابراین ضرورت دارد با افزودن شرح و بسط بیشتر و اشاره به شأن نزول، ترجمه تفسیر گونه ای ارائه دهیم.

پیشنهاد: قبل از ترجمه «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدْيُهُمْ وَ لَكِنَّ...» شأن نزول آیه آورده شود، بدین شرح:

چون پیغمبر و مردم از انفاق به غیر مسلمانان خودداری می کردند، به امید آنکه آنها مجبور شوند اسلام اختیار کنند، دستور آمد: «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدْيُهُمْ».

۲. وَ جَعَلُوا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَ لَقَدْ عَلِمْتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ * سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ * إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ (صافات، ۱۵۸-۱۶۰)

و میان خدا و جن ها پیوندی انگاشتند و حال آنکه جنیان نیک دانسته اند که [برای حساب پس دادن] خودشان احضار خواهند شد * خدا منزّه است از آنچه در وصف می آورند * به استثنای بندگان پاکدل خدا (فولادوند)

از آن وصف که می آورند خدا منزّه است * مگر بندگان مخلص خدا (آیتی)

آیا این گونه ترجمه ها می تواند مفهوم را بیان کند و خواننده را قانع نماید؟

سؤال: آیا مستثنی منه «الآ»، «انهم لمحضرون» در آیه ۱۵۸ است و یا به آیه قبل برمی گردد و باید چنین ترجمه و تفسیر شود:

هیچ توصیفی شایسته مقام ربوبی نیست و خداوند منزّه است از آنچه اینان توصیف می کنند. فقط توصیف بندگان مخلص خدا، شایسته مقام خداوندی است.

۳. وَ وَهَبْنَا دَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ * إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِيَاتُ الْجِبَاثُ * فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ * رُدُّوهَا عَلَيَّ فَلَظِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَ الْأَعْنَاقِ (ص، ۳۰-۳۳)

و سلیمان را به داوود بخشیدیم. چه نیکو بنده ای، به راستی او توبه کار [و ستایشگر]

۱. به بیان یکی از وجوه مجمع البیان ذیل این آیه توجه کنید: «قیل فی وجه اتصاله بما قبله ووجه (احدها) ان معناه لیس علیک هداهم بمنع الصدقة عنهم لتحملهم به علی الايمان و هو نظیر قوله «افانت تكره الناس حتی یكونوا مؤمنین».

بود * هنگامی که [طرف] غروب، اسبهای اصیل را بر او عرضه کردند * [سلیمان] گفت: «واقعاً من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا [هنگام نماز گذشت و خورشید] در پس حجاب ظلمت شد». * گفت: «[اسبها] را نزد من باز آورید.» پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساقها و گردن آنها [و سرانجام وقف کردن آنها در راه خدا] (فولادوند)

اغلب مترجمان با تغییراتی چند در عبارات، همین مفاهیم را بیان کرده‌اند. آیا در جایی که مفسران با نقل آرا و اقوال و بیان وجوه احتمالی سرانجام ناخشنودند، ترجمه‌های محض می‌تواند گویا باشد و مقصود را برساند؟ لذا پیشنهاد می‌شود باید تحولی فراگیر در ترجمه‌ها به وجود آید.

۴. وَلَا تَخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ * يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ (شعراء،

۸۷-۸۹)

برابر ترجمه‌های موجود:

و مراد در روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند رسوا مساز * [همان] روزی که مال و پسران سود ندهد * مگر آنکه کسی دلی پاک و پیراسته [از شک و شرک] به نزد خداوند آورد (خرمشاهی)

به ترجمه ایرادی نیست، اما این گونه ترجمه کافی نیست و خواننده مقصود آیه را درک نمی‌کند.

سؤال: مستثنی منه «الآ» در آیه چیست؟ آیا مقصود این است که مال و پسران سود ندارند اما اگر کسی دلی پاک به نزد خدا آورد، در این صورت مال و فرزند سودمند خواهد بود؟ یا مقصود آن است که مال و فرزند به هیچ وجه سود ندارد، آنچه سودمند است دلی پاک و پیراسته از شک و شرک است؟

۵. كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلَّا الْأَصْحَابَ الْأَيْمِينَ * فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (مدثر، ۳۸-۴۰)

هر کسی در گرو دستاورد خویش است * بجز یاران دست راست * در میان باغها، از

یکدیگر می‌پرسند (فولادوند)

۶. فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ * وَأَتْرُكُ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ (دخان، ۲۳-۲۴)

[فرمود:] «بندگانم را شبانه ببر، زیرا شما مورد تعقیب واقع خواهید شد * و دریا را

□ ۹ ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم

هنگامی که آرام است پشت سر بگذار، که آنان سپاهی غرق شدنی اند.» (فولادوند)^۱
سؤال اول: آیا چون شما مورد تعقیب واقع می شوید، دستور آمده بندگانم را شبانه ببر، یا آنکه شبانه ببر تا آنان شما را تعقیب کنند (هدف آنکه اگر تو بندگانم را ببری، آنان شما را تعقیب می کنند و سرانجام شما نجات می یابید و آنان غرق می شوند).

سؤال دوم: «رهو» حال است. مقصود این است که از دریا خارج شو و بگذار دریا آرام باشد، یعنی به همین صورت که تو از راههای خشک می گذری، بگذار دریا آرام باشد تا فرعونیان به دنبال شما بیایند و غرق شوند و اگر دریا را به صورت اولیه درآوری و راهی برای ورود فرعونیان نباشد هلاکت آنها انجام نمی پذیرد.

۷. وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (حج، ۵۲)
۸. مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ (حج، ۱۵)

توجه: فهم مقصود این گونه آیات، دقت بیشتری می طلبد و هرگز ترجمه محض، خواننده را اقناع نمی کند.

۹. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب، ۲۱)

با توجه به اعراب آیه، که «اسوه» اسم کان و «لکم» خبر آن، و «لمن کان» بدل از «کم» در «لکم» است، مخاطب «لکم» و «لمن» دو دسته جدای از هم نیستند و قطعاً یک گروه اراده شده است.

لطفاً ترجمه ساده ای که کامل باشد ارائه دهید.

۱۰. إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا * لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (احزاب، ۷۲-۷۳)
تنگنای ترجمه ساده این دو آیه، در دو قسمت جلب توجه می کند:

۱. با احترام به تمام مترجمان ارجمند، چون ترجمه های ساده بعضی از آیات را از هیچ یک از مترجمان کافی و گویا نمی دانیم، برای هر یک از آیات به عنوان شاهد از یک مترجم استفاده شده است.

الف) اگر انسان امانت را پذیرفته، چرا از او به «ظلوماً جهولاً» تعبیر شده است؟
 ب) تعبیر «لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ» را با کدام عبارت باید ارتباط داد؟
 ۱۱. أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِإِسْلَامٍ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (زمر ۲۲)

تنگنای ترجمه این آیه در بخش فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ قرار دارد. بدون ذکر نام، به پنج ترجمه از مترجمان مشهور بزرگوار قرآن شناس توجه کنید که تماماً «من ذکر الله» را قطعاً اشتباه ترجمه کرده‌اند، چون با ترجمه ساده امکان ندارد.

۱. پس وای بر آنان که از قساوت (و شقاوت) دل‌هایشان از یاد خدا فارغ است.
 ۲. پس وای بر سخت‌دلانی که یاد خدا در دل‌هایشان راه ندارد.
 ۳. پس وای بر آنانکه از ترک یاد الهی، سخت دل هستند.
 ۴. پس وای بر آنان که از سخت‌دلی، یاد خدا نمی‌کنند.
 ۵. پس وای بر آنانکه قلبهایی سخت در برابر ذکر خدا دارند.
- اکنون به آنچه زمخشری در کشاف آورده بنگرید:
 «مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ» من اجل ذكره، اذا ذكر الله عندهم او آياته اشماؤوا وازدادت قلوبهم قساوة، كقوله تعالى «فزادتهم رجساً الى رجسهم» و قرئ: عن ذكر الله.

فان قلت: ما الفرق بين من و عن في هذا؟ (قلت) اذا قلت: قسا قلبه من ذكر الله، فالمعنى ما ذكرت، من ان القسوة من اجل الذكر و بسببه، و اذا قلت: عن ذكر الله، فالمعنى: غلظ عن قبول الذكر و جفا عنه، و نظيره: سقاه من العيمة، اى من اجل عطشه، و سقاه عن العيمة: اذا ارواه حتى ابعده عن العطش.

آیا ترجمه‌های موجود را می‌توان با دقتی که زمخشری در نقل معانی حروف معمول داشته، صحیح دانست؟

نویسنده معتقد است اگر مترجمان بزرگوار خود را به ترجمه محض در برابر آیه محدود نمی‌کردند، به راحتی به تفسیر و تبیین معنی آیه می‌پرداختند و آنچنان که باید و صحیح بود ترجمه می‌کردند، چون همگان در ترجمه و تسلط بر مفاهیم آیات توان کافی دارند.

۱۲. وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِسُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّىٰ وَ ثَلَاثٌ وَ

□ ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم (۱)

آیا می‌توانید با ترجمه ساده بدون تفسیر و شرح، صدر و ذیل آیه را به هم ربط دهید؟ و آیا می‌توان این ترجمه را کافی دانست: «و اگر می‌ترسید که در مورد یتیمان دادگری نکنید، از زنانی که می‌پسندید، دو دو، سه سه و چهار چهار، همسر بگیرید»؟

آیا برای ترس از دادگری نکردن در مورد یتیمان، باید همسر اختیار کرد؟

اما با مختصر توضیحی، سؤال و ابهامی نمی‌ماند. آیه قبل از سرپرستان خواسته است اموال یتیمان را به آنها برگردانید و هرگز از اموالشان به باطل استفاده نکنید و چنانچه در مورد ازدواج با یتیمان، از آن ترس دارید که قسط و عدالت را رعایت نکنید (به این نحو که یا مهریه را کمتر از معمول تعیین کنید و یا مهریه تعیین شده را نپردازید و یا ازدواج شما با آنان به خاطر دستیابی به اموال آنان و سوء استفاده از آنها باشد) بهتر است از ازدواج با آنها صرف نظر کنید و با زنان نیکوی غیر یتیم ازدواج نمایید.

۱۳. **الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ أُضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا** (نساء، ۳۴)

آیا ترجمه ساده، جنجال برانگیز نیست به خصوص در این عصر؟ آیا با توضیحات کافی و بیان نوع وسیله ضرب با استفاده از روایات مأثوره باز هم ابهامی خواهد بود؟

۱۴. **أَئِنَّمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَ إِن تَصِبْتُمْ حَسَنَةً يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ إِن تَصِبْتُمْ سَيِّئَةً يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكُمْ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا** (نساء، ۷۸)

در آیه بعد (۷۹) می‌فرماید:

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ

تمامی ترجمه‌های موجود، برای خواننده ابهام و سؤال ایجاد می‌کند و آن اینکه چرا خداوند در آیه ۷۸ می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» و در آیه بعد می‌فرماید: «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ»، اما با مختصر توضیحی، سؤالی مطرح نخواهد شد.

در ترجمه «قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» این چنین بیان می‌کنیم:

از آنجایی که به حکم توحید افعالی، مصدر همه چیز، از نعیم و خیرات و برکات گرفته تا انواع عذابها و بلاها و قحطی و بیماریها، فقط خداست، در آیه نخست آمده است: ای پیغمبر، بگو همه چیز از ناحیه خداوند نشأت می‌گیرد. اما در آیه بعد، چون سبب خوبیها تفضل الهی است و بخشی هم اعمال صالحه بندگان، می‌فرماید: آنچه خوبی به تو می‌رسد از فضل و کرم خداست، و سبب بدیها (عذاب، بلاها، قحطی و انواع نکبت‌ها) اعمال بد شماست و باید آنها را از خود بدانید.

۱۵. وَمَا مِنْ ذَاتَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ (انعام، ۳۸)

ترجمه ساده «إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ» خواننده را قانع نمی‌کند و نوع حشر، و غرض از حشر دابه و طائر، توضیح لازم دارد.

۱۶. وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (هود، ۷)

ترجمه: و اوست که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید و اورنگ (فرمانفرمایی) وی بر آب قرار داشت تا شما را بیازماید که کدام نکوکردارترید (با حفظ نام مترجم) اکثر ترجمه‌های موجود، با کمی تغییر در عبارات این گونه ناقص و سؤال برانگیز دیده می‌شود. خواننده از خود سؤال می‌کند:

مگر قبل از خلقت آسمانها و زمین، روز هم وجود داشته، و مفهوم اورنگ بر آب قرار داشت را چگونه می‌توان درک نمود؟ «لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» چه ارتباطی با خلقت آسمانها و زمین و یا چه ارتباطی با «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» دارد؟ آیا ترجمه ساده این نوع آیات مشکلی را حل می‌کند و یا اشکالاتی چند در ذهن و خاطر خواننده شکل می‌گیرد؟

۱۷. ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ (فصلت، ۱۱)

ترجمه آیه از یکی از مترجمان بلند پایه و ادیب نامور عصر حاضر: سپس به آسمان رو آورد که (چون) دودی بود و به آن و به زمین فرمود خواه یا ناخواه بیایید، گفتند فرمانبردارانه آمدیم.

□ ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم ۱۳

این ترجمه و امثال آن از نظر جایگزینی لغات فارسی بسیار شیوا و دلنشین است اما نمی‌تواند مفهوم آیه را برای خواننده روشن نماید. هدف از ترجمه، تبیین کلام حق است تا خواننده را به نتیجه مطلوب برساند.

نقدی دیگر بر ترجمه‌های موجود

مترجمان ارجمند سعی دارند معادل فارسی و اصطلاحات قرآنی را به طور دقیق و صحیح بیابند و در تمام موارد، یکسان، برابر آنها قرار دهند، غافل از آنکه اگر یک اصطلاح در ۲۰ مورد به کار رفته، در هر یک از موارد معنی خاصی اراده شده و رعایت نکات مورد نظر، رکن اساسی ترجمه آیات نورانی قرآن کریم است.

برای مثال: اصطلاح «لَا جُنَاحَ» و «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ» را برخی از مترجمان بزرگوار در تمامی موارد استعمال، (گاهی بر شما نیست) ترجمه کرده و از کاربرد فقهی و یا بیان مسئله مسلم حقوقی و یا اخلاقی آن غفلت نموده‌اند.

ما ذیلاً به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. حکم نماز در سفر

۲. حکم سعی بین صفا و مروه در حج و عمره

زُوی عن زرارة و محمد بن مسلم انهما قالَا: قلنا لأبى جعفر علیه السلام: ما تقول فی الصلوة فی السفر؟ کیف هی و کم هی؟ فقال: ان الله عزوجل يقول: «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ»^۱ فصار التقصير فی السفر واجباً کوجوب التمام فی الحضر. قالَا: قلنا: انما قال الله عزوجل: فليس عليكم جناح... ولم يقل افعلوا، فكيف اوجب ذلك كما اوجب التمام فی الحضر؟ فقال علیه السلام: او ليس قد قال الله عزوجل فی الصفا و المروة: «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا»^۲ الا ترون ان الطواف بهما اوجب مفروض، لأن الله تعالى عزوجل ذكره فی كتابه و صنعه نبيه علیه السلام، و كذلك التقصير فی السفر شيء صنعه النبي (صلى الله عليه و آله و سلم) و ذكره الله تعالى فی كتابه.^۳

۱. سوره نساء، ۱۰۱.

۲. سوره بقره، ۱۵۸.

۳. من لا يحضره الفقيه: ۴۳۴، حدیث ۱۲۶۵.

بنابراین حضرت به آن دو می‌فهماند که نفی «جناح» با وجوب منافات ندارد هر جا که قرینه و دلیل دیگری وجود داشته باشد.

۳. **وَإِنَّ أُمَّرَأَةً خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا** (نساء، ۱۲۸)

این جانب ضمن بررسی ترجمه‌های مختلف در مورد «لاجناح» در کلیه آیات و به‌خصوص در این آیه، پی‌نگاشت‌های صفحه ۶۵۳ از ترجمه ادیب نامور، مترجم نکته‌سنج گرانقدر، جناب دکتر سید علی اکبر گرمارودی نظرم را جلب کرد. ایشان در این صفحه، ذیل زبان ترجمه من «نشر معیار» است آورده‌اند: مثلاً در ترجمه قرآنی **وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ** آورده‌ام: «جان‌ها، آز را در آستین دارند». برای داوری صحیح، شایسته است ترجمه تمامی آیه از ایشان عیناً نقل شود:

«اگر زنی از کناره‌گیری یا رویگردانی شویش بیم دارد، بر آن دو گناهی نیست که میان خود به سازشی شایسته برسند و سازش نیکوتر است و جان‌ها، آز را در آستین دارند، و اگر نکویی کنید و پرهیزگاری ورزید، بی‌گمان خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

این ترجمه از لحاظ ادب فارسی بسیار شیوا و روان است اما مفهوم و کاربرد «جان‌ها، آز را در آستین دارند» در وسط آیه روشن نیست. ثانیاً فرق نشوز و اعراض باید دقیق‌تر بیان شود زیرا از «نشوز» به بدرفتاری، سرکشی و برتری‌بینی و از «اعراض» به بی‌اعتنایی در سخن گفتن و هم‌بستر شدن و رویگردانی تعبیر می‌شود. ثالثاً آیه چون در مقام مصلحت‌اندیشی است و طرفین را به صلح و سازش توصیه می‌کند، به کار بردن تعبیر «بر آن دو گناهی نیست» با زمینه آیه مناسبت ندارد.

با توجه به نقل مجمع البیان: «الجناح: الحرج فی الدین و هو الميل عن الطريق المستقیم» می‌توان از عباراتی نظیر «مانعی ندارد»، «باکی نیست»، «مصلحت آن است که آن دو...» استفاده شود.

ترجمه پیشنهادی تفسیرگونه:

اگر زنی از شوی خودش بدرفتاری و برتری‌بینی و یا بی‌اعتنایی در سخن گفتن و هم‌بستر شدن دید، مانعی ندارد (بهتر است) برای حفظ زوجیت، آن دو از پاره‌ای از حقوق خود

□ ۱۵ ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم

صرف نظر کنند و با گذشت، صلح نمایند و به سازش برسند، گرچه نفوس آدمیان گرفتار بخل است و گذشت از حقوق مسلم دشوار و مشکل، اما صلح و سازش بهتر است. اگر نیکی کنید و از خدا پروا نمایید، بی‌گمان خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

۴. **الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ** (بقره، ۲۲۹)

ترجمه آقای فولادوند:

طلاق [رجعی] دوبار است. پس از آن یا [باید زن را] بخوبی نگاه داشتن، یا بشایستگی آزاد کردن. و برای شما روا نیست که از آنچه به آنان داده‌اید، چیزی بازستانید. مگر آنکه [طرفین] در به‌پاداشتن حدود خدا بیمناک باشند. پس اگر بیم دارید که آن دو، حدود خدا را بر پای نمی‌دارند، در آنچه که [زن برای آزاد کردن خود] فدیة دهد، گناهی بر ایشان نیست. این است حدود [احکام] الهی؛ پس، از آن تجاوز مکنید. و کسانی که از حدود [احکام] الهی تجاوز کنند، آنان همان ستمکارانند.

ترجمه پیشنهادی تفسیرگونه

مرد فقط دوبار می‌تواند زن خود را طلاق دهد و بعد از طلاق، چنانچه پشیمان شود رجوع نماید (از این نوع طلاق به طلاق رجعی تعبیر می‌شود).

(مرتبه سوم اگر طلاق داد، بدون مُحَلَّل حق رجوع ندارد). در این دو مرتبه، مرد چنانچه رجوع نماید، موظف است به طور شایسته از او نگهداری کند «امساک بمعروف» و اگر رجوع ننماید، با نیکی و محبت او را رها کند و از «و جدا شود» او تسریح باحسان»^۱.

به هنگام جدایی، بر شما روا نیست مهری را که قبلاً به آنها داده‌اید از آنها باز پس بگیرید «و لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا». این حکم در مورد مردی است که می‌خواهد

۱. نقش مُحَلَّل در آیه بعد (۲۳۰) بیان شده است. مُحَلَّل به کسی گفته می‌شود که با این زنی که برای بار سوم طلاق داده شده است ازدواج کند و هم‌بستر شود و او را طلاق دهد. در این صورت شوهر اول می‌تواند با زن قبلی خود که سه مرتبه او را طلاق داده است، ازدواج نماید. بنابراین چون این فرد، واسطه حلال کردن آن زن است به آن مرد، به او مُحَلَّل می‌گویند.

زن خود را طلاق دهد، ولی زن برای ادامه زندگی و زوجیت و سازش آمادگی دارد و حاضر به طلاق نیست.

اما اگر زن مایل به ادامه زندگی نباشد و از مرد تقاضای طلاق نماید و بخشی از مهریه خود یا تمام آن را با کمال میل ببخشد تا طلاق بگیرد، دریافت آن برای مرد بلا مانع است، لذا می فرماید:

«فَإِنْ حَفَّتُمْ عَلَيْهِمْ حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ». در حقیقت بخشش زن و پذیرش مرد جهت اجرای طلاق بلا مانع و مباح اعلام شده است.

اینها حدود الهی است که نباید از آنها تجاوز کنید، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند قطعاً از ستمگران خواهد بود.

سخن پایانی

مترجم چون مقید است ترجمه آیه را مقابل آیه قرار دهد، خود را از تفسیر و تبیین معذور می بیند و در برابر استعاره‌ها و کنایه‌ها که در آیات به کار رفته و همچنین در برابر اصطلاحات خاص، حیران می ماند. اگر دقیقاً به ترجمه لغات بسنده کند، از بیان کنایه و استعاره و مسائل بلاغی و فقهی و امثال آن دور می ماند و اگر به بیان آنها بپردازد با ترجمه آیه چکار کند؟ اینجاست که دانشمند قرآن پژوه، جناب آقای یعقوب جعفری، قلم به دست می گیرد و مقالات خود را تحت عنوان «استعاره در قرآن و دشواری ترجمه آن» و «کنایه در قرآن» تنظیم می نماید و در شماره ۱۵ ترجمان وحی، صفحه ۹ چنین می نویسد:

«در اینجا چند نمونه از آیاتی را که برگردان تعبیر کنایی آنها به زبان فارسی دشوار می نماید، می آوریم و ترجمه آنها را از چند مترجم نقل می کنیم».

در این عصر، ترجمه ساده از قرآن کریم، بسیار رواج یافته و هر ترجمه‌ای که از چاپ خارج می شود، بلافاصله در پی آن نقدهایی از قرآن پژوهان چیره دست منتشر می گردد. آیا اشکال در ضعف و ناتوانی مترجم است یا در روش و سبک و سیاق ترجمه؟ این جانب را عقیده آن است که روش صحیح نیست و ما در این زمینه به یک تحول اساسی و علمی در سبک و روش ترجمه، نیازمندیم.

اگر سؤال شود: آیا منظور از قرآن، کتاب و ذکر در آیات زیر:

□ ضرورت تحولی فراگیر در ترجمه قرآن کریم ۱۷

۱. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ (بقره، ۲)
۲. لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ (حشر، ۲۱)
۳. إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (حجر، ۹)
۴. وَ نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (اسراء ۸۲)
۵. وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ *
بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (شعراء، ۱۹۲-۱۹۵)
۶. كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (ابراهيم، ۱)
۷. إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ (اسراء، ۹)
۸. أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (محمد، ۲۴)

و آیات بی شمار دیگر، همان آیات نورانی بدون ترجمه است که میلیاردها نسخه از آن در سراسر جهان چاپ و منتشر شده و در اختیار مسلمانان قرار گرفته و هر مسلمانی در شبانه روز ۱۰ مرتبه سوره حمد و یک سوره دیگر از آن را عیناً در نمازهای پنجگانه قرائت می‌کند؟ آیا آن قرآنی که خواندن آن ثواب دارد و نگاه کردن به خطوط آن سفارش شده و بدون طهارت دست بر خطوط آن گذاردن ممنوع است، همان مجموعه آیتی است که بر پیامبر عظیم الشان نازل شده و فاقد هرگونه توضیح و ترجمه است؟

آیا نگاه کردن به ترجمه‌های قرآن ثواب دارد؟

آیا بدون طهارت، ترجمه‌های قرآن را لمس کردن، گناه دارد؟

آیا ترجمه‌ها و معانی آیات قرآن به هر زبانی که باشد، قداست قرآن را دارد؟

اگر جواب منفی است که مسلماً همگان بر این قول متفق‌اند، پس ترجمه قرآن چه ضرورتی دارد؟

جواب آنکه: مسلمانان در تمام نقاط جهان باید با مفاهیم آیات نورانی قرآن آشنا باشند تا از این نسخه حیات بخش بهره‌مند گردند و با عمل به آن رستگار شوند و بدون درک مقصود و آشنایی با معانی آیات، تدبر در قرآن و عمل به دستورات آن امکان‌پذیر نیست. لذا جوامع اسلامی با زبانهای مختلف، به ترجمه‌هایی نیازمندند که آنها را به هدف خود برساند و به راحتی بتوانند از این چشمه زلال استفاده نمایند.

این ترجمه‌ها باید تفسیرگونه باشد تا همه نکات دانستنی را، اعم از بیان شأن نزول،

توضیح و تبیین مسائل نهفته در آیات، دربرگیرد. لذا معتقدیم تحولی عمیق و همه جانبه در ترجمه قرآن ضرورت دارد و شایسته است دوران ترجمه ساده پایان پذیرد. پیشنهاد می شود: برای سهولت در چاپ و استفاده خواننده، به جای آنکه آیات در یک طرف و ترجمه در طرف دیگر قرار گیرد و مترجم را در تنگنای جا قرار دهد، هر آیه با ترجمه تفسیرگونه خود، پشت سر هم تنظیم شود و به چاپ رسد.

■

